

امریکا و حضور نظامی گسترده در خلیج فارس

* آمریکا تلاش می‌کند که از طریق هماهنگ کردن سیاستهای رژیمهای مرتجع منطقه و فشار بر رژیمهای مترقی حلقه محاصره ایران را تنگتر کند.

جمعی کارتر رئیس جمهور پیشین آمریکا در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ اظهار داشت: هرگونه کوششی از جانب یک نیروی خارجی برای بدست گرفتن کنترل منطقه خلیج فارس به عنوان یک تجاوز به منافع حیاتی آمریکا تلقی خواهد شد و چنین یورش به هر طریق ممکنه منجمله قدرت نظامی پاسخ داده خواهد شد.

توجه مختصری به این جمله از کارتر و پیگیری سیاستهای فعلی ریگان، بیشترین اتکایش به مشی نظامیگری است نمایانگر حفظ اصلی سیاست آمریکا در جهان است گرچه ریگان جایگزین کارتر شده باشد.

ریگان از همان بدو ورود به کاخ سفید چنگ و دندان خود را به آن چیزی که از دیدگاه او «گسترش تروریسم در منطقه» است نشان داده و با اقداماتی که در طی قریب به یکسال ریاست جمهوری خود انجام داد ثابت کرد که تا حد توان آمریکا برای جلوگیری از تروریسم (۱) به رژیمهایی که قادرند ثبات جهان و بخصوص خلیج فارس را حفظ کنند کمک نظامی خواهد کرد معاون سیا می گوید «دنیا تغییر کرده است و تروریسم در همه جا گسترده شده و ما نیز باید روش های خود را تغییر دهیم.» و ریگان و مشاورانش دلیل این تغییرات را لزوم شدت بخشیدن به مبارزه علیه تروریسم بین المللی (۱) و اقدامات خرابکاری که با پشتیبانی کوبا با شوروی انجام می گیرند ذکر کرده اند»

(اطلاعات ۶۰/۲/۲۶)

ریگان که باصطلاح مبارزه با تروریسم را در سربوچه برنامه های خارجی خود و بخصوص در منطقه حیاتی خلیج فارس قرار داده است سازمان آزادیبخش فلسطین را یک گروه تروریستی معرفی کرده و حتی بیادداریم که ژنرال هیگ صریحا اعلام کرد «خدا حافظ فلسطین» از سوی دیگر اقدامات کاملا چشمگیر ریگان بعنوان رئیس جمهور منتخب سرمایه داری جهانی افزایش سرسام آور بودجه نظامی است.

ریگان قصد دارد بودجه ۱۷۱/۲ میلیارد دلاری پنتاگون را که در زمان کارتر بیش بینی شده بود تا سال مالی ۱۹۸۲ به ۲۲۶/۳ میلیارد دلار برساند همچنین بیش بینی می شود که در سال ۱۹۸۶ بودجه نظامی آمریکا به مبلغی قریب ۲۷۴/۳ میلیارد دلار یعنی تقریبا دو برابر بودجه نظامی امسال برساند. و اگر بیاد داشته باشیم که آمریکا از نظر اقتصادی غرق در تورم و بیکاری است آنوقت به عظمت سیاست میلیتاریستی آمریکا به بهانه حفظ منافع حیاتی خود و دول غربی پی برده و خواهیم فهمید که بین سیاست خارجی کارتر و ریگان نه تنها هیچ تفاوتی نبوده و نیست بلکه وقوع تحولات جدیدی در منطقه



(از جمله انقلاب ایران) ضرورت تغییر رئیس جمهور دموکرات و روی کار آمدن رئیس جمهور جمهوریخواه را ایجاب می کرد تا راحتتر و سریع تر با اتکاء به کمپانیهای عظیم و غول پیکر اسلحه سازی آمریکا دست به تسلیم رژیمهای مرتجع منطقه زده و مشی کاملا نظامیگری را در پیش گیرد.

نیروی واکنش سریع و سیاستهای آمریکا در منطقه

روزنامه گاردین می نویسد: وزیر دفاع آمریکا در مصاحبه ای در ماه مه بطور خلاصه سیاست نظامی آمریکا را برای احداث پایگاههای نظامی برای جلوگیری از رشد هرگونه نهضت آزادیخواهی در منطقه تشریح کرد. گاسپاروین برگر گفت: حفظ مصالح آمریکا در منطقه خلیج فارس باعث بوجود آمدن نیروهای جدیدتر و قوی تر خواهد شد که قابلیت حمل و نقل سریعتری را داشته باشند. وی اضافه کرد ما باید خود را برای هرگونه جنگی در منطقه و هرچایی که منافع اساسی داریم و تحت هرشرایطی آماده کنیم (کیهان ۱۴ مرداد ۶۰) و بدین ترتیب است که آمریکا با تجهیز سپاه واکنش سریع آماده دخالت نظامی در منطقه خلیج فارس می گردد ولی آنچه که اهمیت قضیه را بیش از پیش نمایان می کند تمرکز فرماندهی آمریکا برای این امر است که بدان خواهیم پرداخت.

لوماتن روزنامه معتبر فرانسوی می نویسد: ریگان و الکساندر هیگ بدنبال ایجاد تغییراتی در خلیج فارس هستند وزارت دفاع آمریکا در صدد است تا در آینده نزدیک برای نیروهای واکنش سریع مستقر در خاورمیانه که تعداد آنها در پایگاههای مصر، عمان، عربستان سعودی به

۶۰/۱/۲۰) و در این میان گاسپاروین برگر وزیر دفاع آمریکا از کنگره می خواهد تا برای تجهیز پایگاههای امریکایی در عمان ۸۰ میلیون دلار بودجه تصویب نماید.

گاسپاروین برگر اظهار میدارد که آمریکا محتاج به حضور نظامی در آن ناحیه (خلیج فارس) است و یکی از سناتورها که مسئول کمسیون نیروهای مسلح سنای امریکاست می گوید: «اگر ما در زمان صلح حضور نظامی در خلیج فارس نداشته باشیم چگونه انتظار داریم که در زمان جنگ بتوانیم به این مهم نایل شویم».

سیاست اخیر ریگان آتندار و راسخ و صریح است که حتی تحلیل گران سیا هیچ

سریع در طول ۱۳ سال آینده به ایران یک فرماندهی متحد تسلیم نخواهند شد. البته باید توجه کرد که آمریکا از این امرای این ارجح سناها نقشه کشیده و هماهنگی که بین برگر در آوریل ۱۹۸۱ اعلام کرد «دسته تسلط بر خلیج فارس برای دفاع نظامی از منابع نفتی خلیج فارس در خاورمیانه می باشد» و در همین حال نیز برگر تأیید نوشت که بیشتر از اینکه در تحلیل گران نظامی در مورد حضور نظامی در مسیرهای نفتی در خلیج فارس متوجه آنرا تنظیم می کردند و تاریخ پایان نظامی در آنجا بررسی بودند تا ببینند چه کشور و دولت می تواند برای سالهای آگلیس این کشور را تسخیر کند کشور از منطقه برسد ۱۳۰ سال پیش



شکوه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

انقلاب ایران و تلاش آمریکا برای جایگزینی شاه

پس از سال ۱۹۷۰ این وتایه نظیر حفظ خلیج فارس بین آمریکا و غرب) بعهد شاه گذاشته و حتی هم که این یکی وظیفه خود را بنحواکمل انجام داد تا جائیکه نیروهای ارتش شاه در پیروزی از سرزمان به سرکوبی انقلابیون ظفار پرداخت. شاه که توسط نیکسون تا دندان مسلح شده بود بعنوان ژاندارم منطقه خلیج نماینده مستقیم منافع آمریکا در منطقه بود.

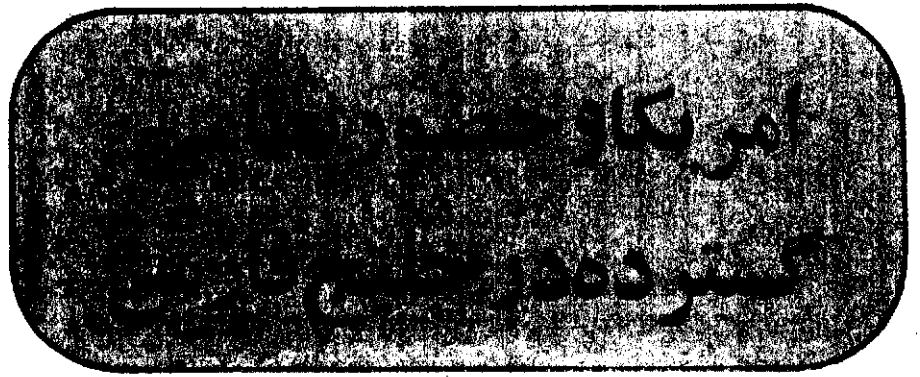
از نیمه دهه ۱۹۷۰ پس از شکست امریکا در ویتنام دولتمردان امریکا تصمیم گرفتند با تجهیز ورق بزنند

* ریگان که به اصطلاح مبارزه با تروریسم را در سر لوحه برنامه های خارجی خود و بخصوص در منطقه حیاتی خلیج فارس قرار داده است سازمان آزادیبخش فلسطین را یک گروه تروریستی معرفی کردند حتی بیادداریم که ژنرال هیگ صریحا اعلام کرد «خداحافظ فلسطین»

ایابی ندارند که بطور وضوح اعلام کنند که آمریکا برای هرگونه جنگی آماده می باشد چنانکه «کلیر» سیاست دولت ریگان را در حال حاضر با دولت کندی که مایل بود برای جنگ به هر نقطه ای از جهان برود متشابه می داند.

گاردین می نویسد که در دوره ریاست جمهوری ریگان سیاست نظامی نیروهای واکنش

یکصد و ده هزار تنگدار خواهد رسید یک فرماندهی ویژه مستقر نماید و برای این منظور عربستان سعودی و عمان کاندیدا شده اند. همچنین فرماندهی دیگر نیز در سومالی مستقر خواهد گردید تا پایگاههای سومالی، کنیا، و عمان همچنین جنبه تدارکاتی و پشتیبانی برای نیروهای واکنش سریع خواهند داشت اطلاعات



تجهیز خود و سرکوب جنبش های آینده بپردازد.

زمینه های ظهور طرح شاهزاده مهد

عربستان که تصمیم گرفته است بکمک امریکا با حفظ ظواهر اسلامی نقش قیم را در منطقه ایفا کند کاملاً بطور آشکار «نعل وارونه می زند» چرا که از یکطرف خواهان عدم حضور هیچ یک از ابرقدرتها در منطقه خلیج فارس می گردد و از طرف دیگر همه شرایط امریکارا برای خرید اوآکسها می پذیرد.

دم خروس عربستان آنوقت ظاهر می گردد که یکی از شروط امریکا حضور کارشناسان نظامی امریکایی در اوآکسها و کنترل آنها و ندادن اطلاعات به کشور دیگری از جانب عربستان است. اگر قبول کنیم که حتی اگر عربستان اوآکسها را برای حفظ منافع نفتی خود خریده باشد در اینصورت نیز هم از نظر اقتصادی و هم از نظر نظامی برد با امریکا است و دولت مردان امریکا نیز چیزی بیش از این توقع ندارند که با کنترل نظامی منطقه و فرماندهی نیروهای واکنش سریع از طریق اوآکسها یا پذیرش عربستان در منطقه حضور نظامی دائم داشته باشند. اما همانطور که گفته شد مادامیکه کشمکش خاورمیانه (اعراب و اسرائیل) بحال خود باقی باشد عربستان پیوسته در مظان اتهام قرار خواهد گرفت چرا که در عین داشتن اوآکسها هیچ گونه کوششی را برای مقابله

خود را برای نظارت بر جنگ و جلوگیری از سقوط صدام و حفظ منافع نفتی عربستان به حکام عربستان سعودی تحویل داد (۹ مهر ۱۳۵۹) و بدین ترتیب سناریوی جدید امریکا و فصل جدیدی از دیپلماسی میلیتاریستی این جهانخوار بزرگ قرن شروع شد حوادث بعدی به این ترتیب است که بر اثر انقلاب اسلامی رژیمهای مرتجع منطقه درخطر سقوط قرار می گیرند امریکا تلاش می کند که از طریق هماهنگ کردن سیاست رژیمهای مرتجع منطقه و فشار بر رژیمهای مترقی حلقه محاصره ایران را تنگتر کند و با بر اثر مقاومت قهرمانانه ملت ایران این طرح نیز شکست می انجامد و امریکا ناچار تلاش جدیدی را برای حضور هرچه سریعتر خود در منطقه خلیج فارس و حداقل حفظ کشور پادشاهی عربستان آغاز می کند و عربستان نیز

پایگاههای نظامی متعدده خود در مناطق مختلف جهان و حضور نظامی دائم به بهانه های مختلف مجبور نشوند تا به یکبار وارد جنگی همچون جنگ ویتنام گردند. و از اینجا بود که اساس طرح سپاه واکنش سریع ریخته شد.

اما پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، امریکا به یکباره خطر را بیش گوش خود احساس کرده و تلاشهای وسیع و گسترده ای را در جنبه های مختلف شروع کرد. از یکطرف تمام امکانات خود را برای شکست انقلاب در ایران بکار برد و از طرف دیگر با انواع توطئه ها مانع صدور افکار انقلاب ایران از طریق خارج کشور باشد چرا که این بار امریکا در خطر ناملا جدی که برای او حکم مرگ و زندگی را داشت روبرو گشته بود.

انقلاب اسلامی در ایران همچون آتشفشانی بود که اگر امریکا به هر طریقی آنرا خاموش نمی کرد هستی اش را در کوتاه ترین زمان ممکن درخطر جدی قرار میداد و لذا با انواع دسیسه ها به مقابله با انقلاب برخاست ولی از جانب دیگر زمینه های اجرای هرچه سریعتر حضور نظامی خود در خلیج فارس را طراحی کرد. اگر به جنگ ایران و عراق از یک زاویه دیگر غیر از آنچه تاکنون تحلیل شده بنگریم دران بهانه های امریکا را برای باصطلاح حفظ منافع جهان سرمایه داری و حضور نظامی در منطقه را خواهیم دید. اما طرح امریکا چندان هم که بنظر میرسد ساده نیست و دارای پیچیدگی خاصی است که همه تحولات منطقه را در خود جای میدهد.

عربستان کاندیدهای امریکا

امریکا امیدوار بود که عراق در طی چند روز اول جنگ قسمتی از ایران (خوزستان) را اشغال کرده و آنجا را مدخل نفوذ مجدد امریکا بر ایران گرداند و اگر هم امکان پذیر بود از همان طریق انقلاب را به شکست کشاند ولی وقتی که رویاهای امریکا نقش بر آب شد فوراً اوآکسهای

* یکی از وظایف ما این می تواند باشد که کمربند امنیتی انقلاب از

دوطریق: ۱- در جبهه داخل مقابله با سرمایه داری و فئودالیسم و تشکیل

ارتش ۲۰ میلیونی، ۲- در جبهه خارج، حفظ روابط صمیمانه با دشمنان بالقوه و

بالفعل امریکا بدون عدول از اصول مشخص اسلامی

با اسرائیل (البته مثل همیشه ظاهراً) نمی تواند انجام دهد، چرا که این از شروط امریکاست پس باید

هر چه سریعتر کشمکش خاور میانه خاتمه یافته و مسئله فلسطین حل گردد. لذا پس از آغاز مجدد حملات اسرائیل به جنوب لبنان بطور بسیار وسیع و گسترده و جریان موشکهای سوریه در لبنان امریکا با تلاش خود بکمک فرستاده اش فیلیپ حبیب آتش بس را به طرفین می قولاند و همزمان با آن «فهد بن عبدالعزیز» شاهزاده عربستان طرح ۸ ماده ای خود را برای حل مسئله فلسطین پیشنهاد میکند. گرچه این طرح از نظر محتوای فرق چندانی با قرار داد کمپ دیوید

که از خطر انقلاب ایران مصون نیست این نوکری را بطور درستی می پذیرد (پذیرش اخیر همه شرایط امریکا برای تحویل اوآکسها).

اما از طرف دیگر عربستان که با حفظ ظاهر اسم می با قرارداد ننگین کمپ دیوید مخالفت کرده بود می بایست برای حل یکباره مسئله فلسطین و برای آسوده کردن خیال خود و امریکا کاری انجام میداد چرا که سالهاست عربستان بعنوان بدر بزرگ کشورهای مرتجع عرب انجام وظیفه می کند. امریکا نیز که قرارداد کمپ دیوید را در آستانه شکست می دید با همکاری عربستان طرحی را برای حل مشکل خاورمیانه ارائه کرد. تا بدون دردمر فلسطین، بیشتر به

برای برداشتن سادات بعنوان یک مخالف طرح فهد دستور برداشتن او را از عرصه قدرت داده و سرانجام دیدیم که چگونه ترور شد. جالب است بدانیم که حتی یاسر عرفات که با قرار داد کمپ دیوید شدیداً مخالف بود طرح فهد را قابل بررسی تشخیص داده بود و حتی برای شاهزاده فهد نیز پیام تبریکی فرستاد گرچه اختلاف نظر خود را در بعضی از مواد آن یادآور شده بود و این موقعیت بسیار طلایی برای امریکا بود که بتواند برغانه سی و چند ساله خاور میانه راه حلی «عاقلاً» پیدا کند.

و به همین دلیل نیز هست که ژنرال هیگ و ریگان که در اوایل انتخاب آنگونه با سازمان آزادیبخش فلسطین برخورد کرده بودند حتی راضی به تشکیل یک دولت فلسطینی براساس طرح فهد میگردند.

در این رابطه مسافرتها بسیار زیاد سران دولتهای غرب به خاور میانه و در راس آنها عربستان سعودی کاملاً قابل اهمیت است چنانچه وزیر خارجه عربستان پس از یک ملاقات با الکساندر هیگ میگوید:

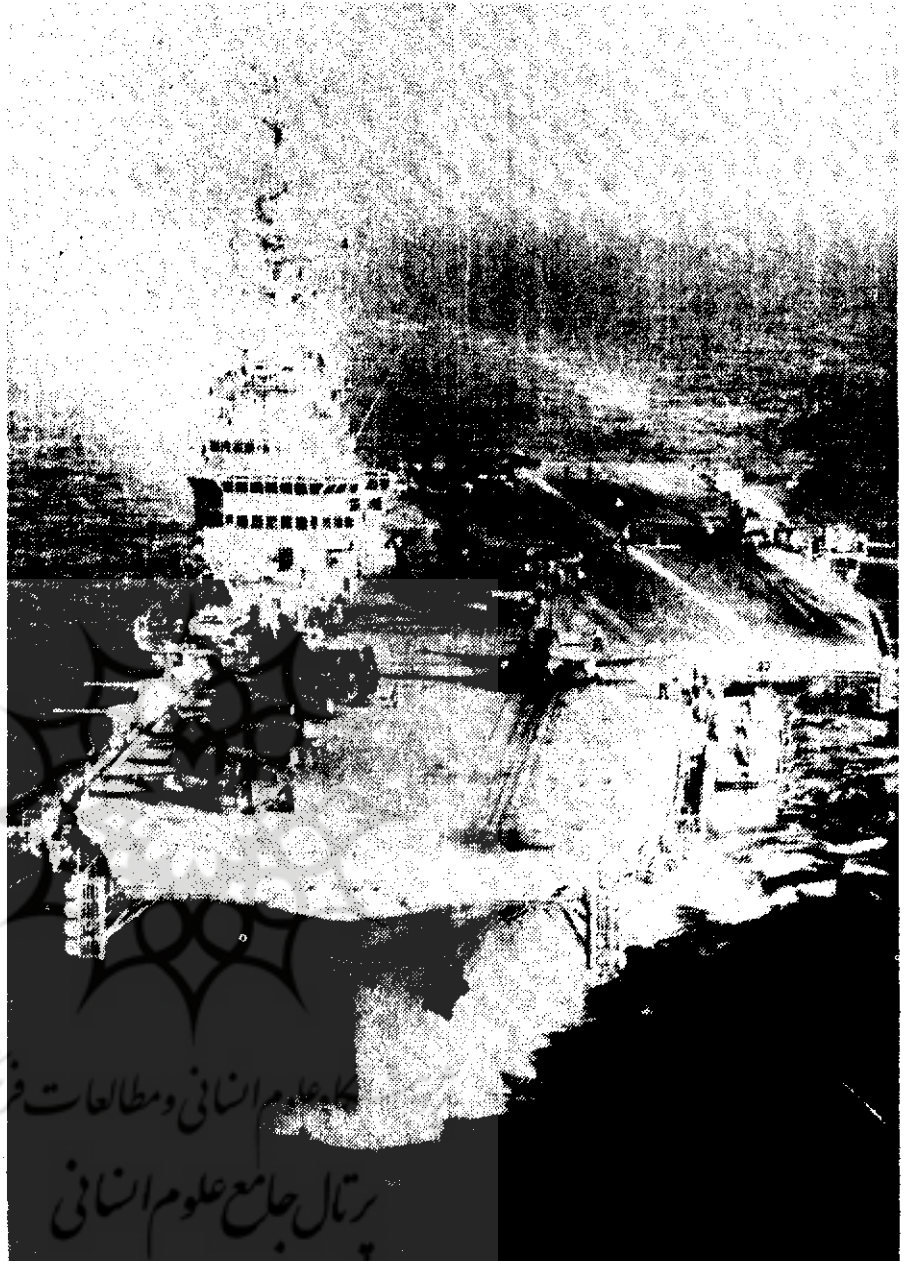
«مذاکرات الکساندر هیگ با رهبران سعودی صریح، روشن و دوستانه بوده است در این گفتگوها عوامل مهم در رابطه دو جانبه که سرآغاز یک مرحله جدید در روابط بین امریکا و عربستان است و درک بهتر مسائل منطقه مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفته است. (اطلاعات، ۶۵/۱/۲۵)

قطعاً امریکا با گسترش سپاه واکش سریع خود به مقابله رویاروی با جنبش های آزادیبخش منطقه خواهد پرداخت و حتی اگر لازم باشد دست به دخالت نظامی مستقیم نیز خواهد زد (بوسیله سپاه واکش سریع) امریکا با کاری که در مصر انجام داد در عین از بین بردن سادات بعنوان یک مهره ای که دیگر فاسد شده بود خواست که از گسترش قیام مردم جلوگیری کرده و رژیم طرفدار خود را با رنگ و لعابی مردمی روی کار آمده و بتدریج با الغای قرار داد کمپ دیوید و اجرای طرح فهد ضمن کاستن اعتراضات رژیمهای مرتجع هوادار خود بطور فعال و گسترده در خلیج فارس نیز حضور داشته باشد.

سیاست آینده امریکا در خلیج فارس نیز حفظ منابع نفتی و رژیمهای وابسته به غرب به هر وسیله ممکن و جلوگیری از حضور نظامی شوروی در منطقه خواهد بود.

مقابله با انقلاب اسلامی ایران همچنان در راس برنامه های سیاسی و نظامی امریکاست و قطعاً

بقیه در صفحه ۲۶



اما امریکا با یک مانع در اجرای این طرح روبرو بود و آن هم سادات بود. بله گرچه در بادی امر انسان دچار تعجب میشود ولی واقعیت قضیه این است که از یکطرف سادات با رفتن به اسرائیل و امضای قرار داد کمپ دیوید باعث نفرت مردم مصر شده بود و چنانکه دیدیم زمینه های انقلاب نیز در آنجا اشکار بود و از طرف دیگر سادات حاضر نبود چندین سال تلاش و کوشش خود را مفت از دست بدهد چرا که او هم در جهان عرب برای خود شخصیتی قائل بود و علاوه بر این اطلاعات گرانبایی را در مورد امریکا و اسرائیل دارا بود. لذا امریکا هم برای جلوگیری از گسترش دامنه قیام مردم مصر و هم

ندارد ولی فوری از جانب کشورهای مختلف عرب مورد پذیرش قرار میگیرد.

منظور اصلی امریکا و عربستان از ارائه این طرح بطور خلاصه این چنین است ۱- حل مسئله فلسطین با پذیرش اسرائیل بعنوان یک کشور مستقل

۲- در انزوای کامل قرار دادن کشورهای خط مقدم جبهه و کساندن محور حل اختلافات را به جانب این طرح و عربستان سعودی

۳- حل مسئله فلسطین بدون حضور مجدد و باز شدن پای شوروی در منطقه

۴- پوششی برای الغای طرح کمپ دیوید که رسوائیش عالمگیر شده بود.

شهادت مصطفی...

رمضان سال ۶۲ هجری در حمله سمرقند واقع شد و پس از دستگیری وی، آیه زانسان نزل قاعه بردند و پس از دو ماه به زکات تبعید شدند و از آنجا به همراه امام به عراق تبعید شدند. وی از آن محیط شدت رنج میرسد، سرا که حرمینه مزوی ساختنش بودند. روزی امام در سالهای تبعید با وجود مراقبتهای زیادی که از طرف حکومت ایران و عراق در بغداد بر وی عمل می آمد، فعالتهای خود را در تدریس علوم فقه و اصول و فعالتهای مذهبی و سیاسی و نظامی انجام میداد. وی در پیج با نهضتهای آزادیخواهی جهان در تماس بود و با شخصتهای ارزنده اسلامی در سطح جهان مرتبط بود. سید مصطفی گروههای مبارز خارج از کشور را بسیج میکرد و در این رابطه نیز گروهی از جوانان مسلمانانی که در سالیان خلفان درخواست تا از مبارزه مسلحانه علیه رژیم بیجنگند، بوسیده او به فلسطین و جنوب لبنان رفتند و در آنجا تعالیمات نظامی دیدند و برای مبارزه با رژیم صهیونیستی در لبنان و عراق به مصطفی خمینی پیوستند. در این دوران که مصطفی میرفت تا بیوند محرومین سیدان لبنان و ایران را محکمتر کند.

ایادی حکومت چار نظامی را بی رهایی از خطر وجودش و برداشتن روحانیتی آگاه و همچنین ضربه زدن به امام، وی را مسموم کردند و صبح روز شهادت او را با دستهایی کبود و تکه های کبود شده در سینه اش در اتاقش می یافتند و مصطفی خمینی در ایام ماه سال ۶۸ که نظمه عطف مبارزات است شهادت میرسد.

امریکا و حضور نظامی

طرحهای جدیدی را برای جلوگیری از گسترش انقلاب به اجرا خواهد گذاشت.

انچه که وظیفه اصلی و اساسی انقلاب در رابطه با توطئه های عظیم و گسترده امریکا در منطقه و خلیج فارس است عبارتند از:

۱- تلاش برای ایجاد جبهه اسلامی کشورهای منطقه با تکیه بر اصول اشتراک اسلامی و پرفیز از جبهه افراق.

۲- محکم تر کردن کمر بند امنیتی انقلاب از دو طریق

الف: در جبهه داخل مقابله با سرمایه داری و فئودالیسم و کلیه زمینه های نارضایتی مردم و تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی کاملاً آموزش دیده و آماده.

ب- در جبهه خارج حفظ روابط صمیمانه با دستان باله و برانفعل امریکا بدون عدول از اصول مشخص اسلامی.

۳- حمله مستقیم به منافع امریکا در همه جای جهان یعنی در حقیقت اتخاذ نوعی «دیپلماسی تهاجمی» علیه تمامی منافع امریکا در سراسر جهان.

۱- سرمایه داری و فئودالیسم است که اگر ضربه ای به آن زنی صعبه و زبون میگردند (بعثت ماهیوش) ولی اگر بکندم در مقابلش عقب نشستی ترا ناورطه سقوط به عقب خواهد راند.

۲- افتنا گری درباره توطئه های امریکا در منطقه. بعنوان مثال افشای طرح فهد بعنوان کمپ دیوید دوم از جانب وزیر امور خارجه گامی مثبت در این جهت بود.

۳- ادامه قاطع جنگ تا آخرین مرحله سقوط صدام اتخاذ این روش باعث خواهد شد که انقلاب اعتبار و حیثیت خود را در جهان بطور آشکاری

بالا برده و زمینه های صدور انقلاب فراهم گردد. البته در کنار اینها باید در زمینه تبلیغات کار فراوان انجام دهیم تا بتوانیم چهره انقلاب را انطور که هست به دنیا بشناسانیم.

کلام آخر اینکه امریکا حتی با آواکسهای خود در منطقه نیز قادر به کنترل اراده خلقها نیست و بخواست خدا این قرن، قرن غلبه مستضعفین بر مستکبرین خواهد بود.

والسلام

اخبار جهاد

نرده های ۲۲ پنجه (۱۵۰ × ۲۰۰) سانتیمتری انجام گرفت و ۶۴ متر مربع تورهای لب دیواری نصب شد.

۴- محصولات برداشت شده در سالهای ۵۹- ۵۸ از محوطه نهالستان به این شرح میباشد: ۸۵ هکتار گندم، ۴ هکتار لوبیا، ۲ هکتار ماش، و ۱ هکتار لوزن.

سر ویس های انجام شده به مناطق

مختلف

الف: مقدار ۷۲۲ متر لوله با قطرهای مختلف جهت تاسیسات آبی.

ب: ۹۵ دستگاه موتور پمپ آب جهت کارهای کشاورزی در اختیار روستائیان قرار گرفت که پس از اتمام کار به کارخانه عودت داده شد.

در آخر باید متذکر شویم که مصالح مورد نیاز توسط جهاد سازندگی اصفهان تامین شده است. در اغلب کارهای انجام شده مردم انقلابی شرکت فعال داشته اند.

خاطرات یک جهاد گرو

شروع کرد بکنک، زدن، مهم شروع کردم بفریاد زدن که چرا چیزی بر من نیست، نه شجاعت نمیخواهم که بکنک انگش بسوزم خورد و سرم بدیوار برخورد کرد و اثر آن ضربه کنترل یکی از پاهایم از اختیاریم خارج شد و در حالی که خودم هم تعجب کرده بودم میج و پنجه یکی از پاهایم شروع کرد حرکات شیر عادی و تقریباً بیهوش شدم، افراسیاد خان را دوستانتش کشیدند و بردند و پس از حدود یک ساعت کاک ناصر آمد و داخل شد و درب را بست نشست و انموده میکرد که دیگران خبر ندارند و شروع کرد به پیج پیج که چی شده؟ چی گفتی؟ وضعیت خیلی خرابه.

فوری فهمیدم که بریان چیست و دانستم که اینها خودشان هم نمیدانند قضیه چیست و میخواهند مسئله ای بچسباندند و اصولاً قضیه فرار لو زرفته است. بنابراین بروی خودم نیوردم و صمیمانه گفتم چون کاک ناصر اگر بدونم و بعد اضافه کردم که من فکر میکردم که افلا تو که یکی از زحمت کش ترین افراد اینجا هستی باید بدانی حالا می بینم که بتو هم نگفته اند و خودم هم نمیدانم.

گفت مثل اینکه تو چیزی گفته ای که نرواجت شده اند. حالا بگو چی گفتی که من درستش کنم منمم ظاهر امدتی بمغزم فشار آوردم

و بعد گفتم که نمیدانم و مساله خاصی را نگفتم و اصولاً حرف زدن جرم نیست و غالباً حرفهایم را در جین بحث خود مسئولین گفتم ام خلاصه رفت و امروز ظهر برای من یک بشقاب برنج یا مقداری خورشت آورد که فهمیدم از غذای مریض برداشته اند (چون در مواقع عادی این نوع غذا را نمی دادند). خیلی بمن مهربانی میکرد ولی هنوز از خر شیطان پیاده نشده بود و اصرار داشت که امشب تیرباران خواهی شد و هنگام ناهار پایند را نیز باز کرد و دیگر نیست. ادامه دارد